

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه‌ای از کتاب

«خط‌مشی‌گذاری عمومی و ساخت اجتماعی واقعیت»

دکتر حسن دانایی‌فرد

دکتر مرتضی جوانعلی‌آذر

حوزه مطالعات خط‌مشی عمومی، حوزه مفهوم‌پردازی، مطالعه، بررسی و تبیین پدیده «خط‌مشی عمومی» است و در حالی که به عنوان یک عمل، عمری به قدمت شکل‌گیری حکومت دارد، به عنوان یک حوزه مطالعاتی، رشته‌ای نسبتاً جوان است که با ایده‌ی لاسول مبنی بر «علوم خط‌مشی برای دموکراسی» و از دامن علم سیاست، قد برافراشته و در گذر زمان، هویتی مستقل به خود گرفته است. این حوزه به گونه‌ای بسیار طبیعی و متناسب با جو حاکم بر محافل علمی دوران آغازین خود با حال و هوایی اثبات‌گرایانه آغاز شده و بعدها به واسطه‌ی چالش بنیادینی که به واسطه‌ی ارزش محوری ذاتی خود در همان فضا با آن روبه‌رو بوده به حوزه‌ی «مطالعات خط‌مشی» تبدیل شده است. حوزه‌ای که سه عرصه‌ی فرآیند خط‌مشی، تحلیل خط‌مشی و ارزش‌شیبایی خط‌مشی را در درون خود پروراند و نظریه‌ها و مدل‌های هنجاری و اثباتی گوناگونی را نیز تولید کرده و بسط نظری قابل توجهی پیدا کرده است.

هم‌زمان با تحولات به وجود آمده در عرصه‌ی فلسفه‌ی علم، تاریخ علم، جامعه‌شناسی علم و در نهایت فلسفه‌ی علوم اجتماعی، این حوزه مبانی نظری خود را - یعنی مبانی هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه، انسان‌شناسانه، ارزش‌شناسانه و روش‌شناسانه - مورد بازاندیشی قرار داده و با تلاش برای متجلی‌سازی نتایج حاصل از بازاندیشی یاد شده در نظریه‌ها و مدل‌های این حوزه، به بسطی دیگر دست یافته است؛ بسطی که هنوز هم با اتکا به پژوهش‌های فلسفی شکل گرفته در حوزه‌ی فلسفه‌ی علوم اجتماعی ادامه داشته و به موازات این پژوهش‌ها در حال توسعه است.

در همین راستا در سال‌های اخیر، رشد و گسترش فلسفه تفسیری و ساخت‌گرایی در عرصه علوم اجتماعی، توجه نظریه‌پردازان حوزه مطالعات خط‌مشی عمومی را نیز به خود جلب کرده است. این نظریه‌پردازان در پرتو نظریه «ساخت اجتماعی واقعیت» تلاش کرده‌اند فرآیند خط‌مشی عمومی (از ساخت مسئله تا ساخت راه حل) را به عنوان واقعیتی تصویری کنند که به صورت اجتماعی ساخته می‌شود. با توجه به مقدمه‌ی فوق می‌توان گفت فهم مدل خط‌مشی‌گذاری ساخت‌گرا در گرو فهم نظریه‌ی ساخت اجتماعی واقعیت بوده و فهم دقیق این نظریه تأثیر عمیقی بر فهم و به کارگیری صحیح این مدل (اعم از شیوه‌ی خط‌مشی‌گذاری، ابزارهای تحقق آن، تعیین حوزه‌های مقبول و مجاز خط‌مشی‌گذاری و...) خواهد داشت.

ضرورت فوق از سویی و نبود آثاری که مدل - و به تعبیری دقیق‌تر مدل‌های - خط‌مشی‌گذاری ساخت‌گرا را به گونه‌ای جامع - یعنی از مبانی فلسفی تا تکنیک‌های عملیاتی - تبیین کنند، نگارندگان را بر آن داشت تا با مروری نسبتاً جامع و البته موجز ضمن بررسی ابعاد گوناگون نظریه‌ی ساخت اجتماعی واقعیت این مدل مطرح در حوزه‌ی خط‌مشی‌گذاری عمومی را تبیین کرده و متنی نسبتاً منسجم را جهت فراگیری و به کارگیری این نگاه در حوزه‌ی خط‌مشی‌گذاری عمومی فراهم آورند.

در همین راستا در فصل اول جهت بررسی زمانه و زمینه‌های معرفتی و اجتماعی نظریه‌ی ساخت اجتماعی واقعیت، به گونه‌ای اجمالی، تاریخچه و ریشه‌های نظری این نظریه تبیین شده و سپس دلایل ورود این نگاه فلسفی به واقعیت‌های اجتماعی به عرصه‌ی علوم اجتماعی بیان خواهد شد و از این رهگذر زمینه‌ی لازم جهت فهم جوهره‌ی نظریه‌ی ساخت اجتماعی واقعیت فراهم خواهد آمد. سپس طی سه فصل و با بهره‌گیری از قالب فلسفی چیستی، چرایی و چگونگی، ابعاد گوناگون نظریه‌ی ساخت اجتماعی واقعیت مورد توجه قرار گرفته و تبیین خواهد شد. از همین رو در فصل دوم (چیستی ساخت اجتماعی واقعیت) پس از بررسی تعاریف گوناگونی که برای این مفهوم ارائه شده، معنای منتخب آن تبیین خواهد شد؛ موضوعی که ورود به فصل سوم (چرایی ساخت اجتماعی واقعیت) را تسهیل کرده و ما را به ارائه‌ی تحلیلی دقیق‌تر از چرایی ساخت اجتماعی واقعیت با معنای مورد نظر از آن رهنمون خواهد شد. در همین امتداد در فصل چهارم نیز چگونگی ساخت اجتماعی واقعیت بررسی شده و در این بخش نیز مدل‌های خط‌مشی‌گذاری‌ای که به وجهی از مبانی نظری ساخت‌گرایانه استفاده می‌کنند، معرفی خواهند شد.

در این میان طبیعتاً دو فصل چیستی و چرایی، بیشتر متکفل تبیین ابعاد نظری این نظریه بوده و در فصل چگونگی شیوه‌ی کاربست این نظریه در حوزه‌ی خط‌مشی‌گذاری عمومی مورد توجه قرار گرفته است. در فصل پنجم نیز جهت ایجاد شدن فهمی عمیق‌تر و روشن‌تر شدن - و احیاناً نقد - مبانی نظری و فلسفی نظریه‌ی ساخت اجتماعی واقعیت، به مبانی فلسفی این نظریه پرداخته شده و این مبانی در قالب چهارگانه‌ی معروف هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی تبیین شده‌اند. لازم به ذکر است که نظریه‌ی ساخت اجتماعی واقعیت - به عنوان مبنای نظری نظریه‌های ساخت‌گرا در حوزه‌ی خط‌مشی‌گذاری - را می‌توان حداقل به دو شیوه، مورد نقد و بررسی قرار داد. یکی نقد از منظر حکمت اسلامی و به ویژه نظریه‌ی اعتباریات علامه طباطبایی رحمته‌الله علیه و دیگری از طریق نشان دادن عدم انسجام درونی این نظریه در مورد برخی از مدعیات آن. نظر به این که نقد و بررسی این نظریه از منظر نظریه‌ی اعتباریات فراتر از اهداف این کتاب - یعنی معرفی اجمالی نظریه‌ی ساخت اجتماعی واقعیت و تبیین تأثیرات آن بر خط‌مشی‌گذاری - بوده و پژوهشی مستقل را می‌طلبد، در این فصل به نقد اجمالی نظریه‌ی «ساخت اجتماعی واقعیت» از رهگذر تبیین عدم سازواری برخی از مدعیات آن اکتفا شده است. در نهایت و پس از حاصل شدن فهمی عمیق‌تر از نظریه‌ی «ساخت اجتماعی واقعیت» و

شیوه‌ی خط‌مشی‌گذاری ساخت‌گرا، در فصل ششم و در قالب نتیجه‌گیری‌ای کوتاه شیوه ارتباط نظریه‌ی «ساخت اجتماعی واقعیت» و خط‌مشی‌گذاری ساخت‌گرا، نسبت این مدل خط‌مشی‌گذاری با سایر مدل‌های خط‌مشی‌گذاری عمومی و در نهایت برخی دلالت‌های این نگاه برای خط‌مشی‌گذاری عمومی در جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار خواهد گرفت.